\_ ٤١ ای ثابت بر پیمان مکتوبی که به ... مرقوم نموده بودی ملاحظه گردید بسیار رأی موافقی بود باید محفل شور روحانی نیویورک با محفل شور روحانی شیکاغو در نهایت اتحاد و اتفاق باشند و آنچه را مناسب نشر میدانند این دو مجلس شور بالأتفاق تصدیق نمایند و انتشارش را مناسب بینند بعد از آن یک نسخه آنرا مجلس شور بعکا ارسال دارد و از اینجا نیز تصدیق شود و اعاده گردد بعد طبع و انتشار یابد قضیه اتحاد و اتفاق دو محفل روحانی شیکاغو و نیویورک بسیار اهمیت دارد و در واشنگتون نیز هر وقت محفل روحانی چنانکه باید و شاید تشکیل شود با آنمحفل نیز این دو محفل باید اتحاد و اتفاق نماید خلاصه اراده الهی تعلق داشته و دارد که روز بروز اتحاد و اتفاق یاران الهی و اماء رحمن در غرب بیفزاید و تا چنین نگردد ابدا کار از پیش نرود و اعظم اسباب اتحاد و اتفاق جمیع محافل روحانیست بسیار مهمست این مسئله و مغناطیس تأیید الهی اگر جمال این دلبر ملکوتی یعنی وحدت احبا بطراز ملکوت ابهی جلوه نماید یقین است که در اندک مدتی آنممالک جنت ابهی گردد و انوار توحید و یگانگی از غرب بجمیع جهان بتابد ما بجان و دل کوشیم و شب و روز آرام نداریم و دمی نیاسائیم تا عالم انسانیرا آئینه وحدت الهی نمائیم تا چه رسد باحبای الهی و این آرزو و آمال وقتی تجلی و اشراق نماید که یاران حقیقی الهی بموجب تعالیم جمال ابهی روحی لأحبائه الفدآء قیام نمایند از جمله تعالیم اینست که باید محبت و وفا بر قلوب چنان استیلا یابد که بیگانه را آشنا بینند و مجرم را محرم شمرند اغیار را یار دانند و دشمن را دوست غمخوار شمرند قاتل را حیات بخش گویند مدبر را مقبل دانند منکر را مقر بینند یعنی نوعی معامله نمایند که بمقبلین و مؤمنین و یار و آشنا سزاوار است اگر این شمع در انجمن عالم چنانکه باید و شاید بر افروزد ملاحظه خواهید نمود که کشور معطر گردد و اقلیم جنت نعیم شود زمین بهشت برین گردد عالم وطن واحد شود و شعوب مختلفه جنس واحد و قبائل و امم شرق و غرب یک خاندان شوند امیدوارم که چنین روزی و چنین انواری بتابد و چنین طلعتی در نهایت جمال رخ بنماید \*